

با دکتر جهاد در بشاگرد



■ کارگردان
سیدمرتضی آوینی

این مستند در اسفندماه ۱۳۵۹ و در منطقه بشاگرد استان هرمزگان فیلمبرداری شده است. محرومیت بشاگرد با شروع فعالیت گروه‌های جهاد سازندگی به فاصله کمی از پیروزی انقلاب اسلامی، مناطق محروم کشور از اولین نقاطی بودند که نظر جهادگران را به خود جلب کرد. در شرایطی که شهرهای بزرگ در تب‌مصرف می‌سوختند، صدها روستای دورافتاده و محروم از ابتدایی‌ترین امکانات زندگی برکنار مانده بودند. روایت‌هایی تلخ و ناگفتنی از محرومیت مردمان این دیار، دستمایه این مستند شد.

بوی نان روستایی



■ کارگردان
سیدمرتضی آوینی

فیلم مستند شهید آوینی در روستای گنجدجان گلپایگان با موضوع شور اهالی روستا در کمک به جبهه‌ها در سال ۶۰، فیلمبرداری شده است. آوینی نتوانست این مستند را به اتمام برساند و این فیلم را بدون تدوین آن رها کرده بود. این فیلم کمک و شور اهالی روستا در کمک به جبهه‌های جنگ است که از پخت نان تا اعزام جوانان روستا به جبهه‌های نبرد را روایت می‌کند.

هیچکاک



■ کارگردان
مرتضی آوینی

این مستند براساس مقاله «عالم هیچکاک»، یکی از نوشته‌های دوران آخر فعالیت سیدمرتضی آوینی در طرح مباحث تئوریک سینمایی است که اواسط سال ۱۳۷۱ نوشته شده و در بردارنده نظرات نظم‌یافته او در خصوص بسیاری از مسائل اساسی سینماست؛ مفهوم سرگرمی در سینما، نسبت سینما به مثابه هنر، نحوه ظهور مجاهدین ماورایی در سینما و چند موضوع دیگر. این مقاله یکی از بهترین و منسجم‌ترین نوشته‌های آوینی درباره ماهیت سینماست.

آوینی آثار؛ شش‌روز در ترکمن صحرا؛ سیل خوزستان (۱۳۵۸)؛ خان گزیده‌ها (شش‌قسمت - ۱۳۵۹)؛ مرد جهاد و شهادت (سه‌قسمت، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۰)؛ خون بهای بیداری؛ فتح خون (سه‌قسمت)؛ حقیقت (۱۱ قسمت، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۰)، هفت‌قصه از بلوچستان (۱۳۶۰)؛ قیام‌الله؛ اقتصاد صلواتی (شش‌قسمت)؛ شیرمردان خدا (چهارقسمت - ۱۳۶۲)؛ کربلا، جنگ، مردم (سه‌قسمت - ۱۳۶۳)؛ ویژه‌برنامه والفجر ۸ (۱۳۶۶)؛ روایت فتح (۶۳ قسمت - ۱۳۶۷ - ۱۳۶۴)؛ مرثیه؛ آمریکا تزویر، تجاوز؛ نسیم حیات، رایحه انقلاب اسلامی در لبنان (۱۲ قسمت)؛ قاصد مهربانی‌ها (هفت‌قسمت - ۱۳۶۸)؛ فراق یار نه آن می‌کند که بتوان گفت (دوقسمت - ۱۳۶۸)؛ انقلاب سنگ (شش‌قسمت)؛ با من سخن بگو دوکوهه (دوقسمت - ۱۳۶۹)؛ سراب (۱۷ قسمت - ۱۳۶۹)؛ سه‌نسل آواره (سه‌قسمت - ۱۳۷۱) و شهری در آسمان (شش‌قسمت - ۱۳۷۱) دیده می‌شوند.

نظریه‌پردازی

آوینی همزمان با فیلم‌سازی فعالیت مطبوعاتی‌اش را نیز از سال ۱۳۶۲ با نگارش مقالاتی در ماهنامه اعتصام آغاز کرد. سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ دوران اوج فعالیت مطبوعاتی‌اش محسوب می‌شود. مقالات او در فصلنامه فارابی و مجله سوره مهر چاپ و منتشر می‌شد و زمینه انتشار تفکرات بنیادین هم‌مسلمان خود را این‌گونه فراهم می‌کرد. کتاب‌هایی، چون «هر آنکه جز خود، آینه جادو، توسعه و میانی تمدن غرب، گنجینه آسمانی، یک تجربه ماندگار، فردایی دیگر، حلزون‌های خانه‌به‌دوش، رستاخیز جان، آغازی بر یک پایان، فتح خون، امام و حیات باطنی انسان، با من سخن بگو، دوکوهه، مرکز آسمان، نسیم حیات، سفر به سرزمین نور، انفطار صورت» و نیز آثار منتشرشده دیگری از جمله مواردی است که آوینی نوشته و پس از شهادتش منتشر شده است.

یکی از کتاب‌های مهم سینمایی او همانا «آینه جادو» است. عنوان مجموعه‌ای سه‌جلدی که در آن نگاه تئوریک آوینی به سینما به خوبی مشهود است. «آینه جادو» حاصل درس‌گفتارهای مکتوب آوینی بوده که توسط او برای یک ترم تدریس در مجتمع دانشگاهی هنر فراهم آمده بوده و در مقام مدرس ماده اولیه مباحث کتاب، جزوه‌ای دانشگاهی بوده که برای یک ترم تدریس در مجتمع دانشگاهی هنر توسط وی فراهم شده است. جلد دوم از مجموعه سه‌جلدی «آینه جادو»، حاوی همه نقدهایی است که آوینی بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ بر فیلم‌های سینمایی نوشته است.

او یک منتقد سینما، مستندساز، نظریه‌پرداز و عارفی برحق بود که آثارش به خوبی بازتاب‌زاویای وجود اوست. نقدها و تالیف‌هایی که از او به‌جا مانده در کنار مستندهایش و حتی فعالیت مطبوعاتی او از آثار ماندگاری است که هیچ‌وقت رنگ کهنگی به خود نمی‌گیرند، در تمام این سال‌ها برای محققان و پژوهشگران راهگشا بوده و علاوه بر آنکه اسناد مکتوب و تصویری قابل‌اعتنایی هستند، مرجع مهمی برای آنانی است که می‌خواهند از حقیقت جنگ، دفاع مقدس، پیروزی‌ها و شکست‌های ما در این دفاع همه‌جانبه مطلع شوند. هر چند آوینی زود از میان ما رفت و مستندهایش نیمه‌کاره ماند اما در همان عمر کوتاهش انقدر برای ما یادگارهای خوبی به‌جا گذاشته که اگر طالب واقعی باشیم، می‌توانیم تا سال‌ها از او بیاموزیم و با تماشای مستندهایش به واقعیت‌هایی دست‌یابیم که به‌ندرت می‌توان آن را از دیگر مستندها دریافت کرد و آموخت.



مرتضی آوینی یک هنرمند است و درنگ و حضورش در جنگ تحمیلی است که چنین باور بلندبالا و گستره‌نگاهی را به او ارزانی می‌کند. اینک شهیدان خدایی با لبان تشنه، تن خسته و گرسنه در برابر تجهیزات، تسلیحات و حتی ناجوانمردی‌های صدام و جهان‌خواران کم‌نمی‌آورند و گاهی با دست خالی نیز بر این مقاومت تأکید می‌کنند که شکار لحظه‌های نابی است که دوربین آوینی به آن دست می‌یابد

اوست. همه هنرها این چنین هستند. کسی هم که فیلم می‌سازد، اثر تراوشات درونی خود اوست، اما اگر انسان خود را در خدا فانی کند، آن‌گاه این خداست که در آثار او جلوه‌گر می‌شود. حقیر چنین ادعایی ندارم، ولی سعی‌ام بر این بوده است. «بنابراین اگر او جامعه‌روشنفکری را نقد می‌کند، به همین دلیل است که خود، همین مسیر را رفته و نسبت به آن، پس از انقلاب جهت‌گیری دارد: «تصور نکنید که من با زندگی به سبک و سیاقی متظاهران به روشنفکری ناآشنا هستم. خیر. من از یک «راه طی‌شده» با شما حرف می‌زنم. من هم سال‌های سال در یکی از دانشکده‌های هنری درس خوانده‌ام. به شب‌های شعر و گالری‌های نقاشی رفته‌ام. موسیقی کلاسیک گوش داده‌ام، ساعت‌ها از وقتم را به مباحثات بیهوده درباره چیزهایی که نمی‌دانستم گذرانده‌ام. من هم سال‌ها با جلوه‌فروشی و تظاهر به دانایی بسیار زیسته‌ام، ریش پروفیسوری و سیل نیچه‌ای گذاشته‌ام و کتاب «انسان تک‌ساحتی» هربرت مارکوزه را - بی‌آنکه آن‌زمان خوانده باشم اش - طوری دست گرفته‌ام که دیگران جلد آن را ببینند و پیش‌خودشان بگویند: عجب! فلانی چه کتاب‌هایی می‌خواند، معلوم است که خیلی می‌فهمد... اما بعد خوشبختانه، زندگی مرا به راهی کشانده است که ناچار شده‌ام رو درپایستی را نخست با خودم، سپس با دیگران کنار بگذارم و عمیقاً بپذیرم که «تظاهر به دانایی» هرگز جایگزین «دانایی» نمی‌شود. حتی از این بالاتر، دانایی نیز با تحصیل فلسفه حاصل نمی‌آید. باید در جست‌وجوی حقیقت بود و این متاعی است که هرکس به‌راستی طالبش باشد، آن را خواهد یافت و نزد خویش نیز خواهد یافت... و حالا از یک راه طی‌شده با شما حرف می‌زنم.»

سینما و فیلم‌سازی

آوینی پس از انقلاب، معماری را کنار می‌گذارد و دچار سینما می‌شود و شاید ما نیز بیشتر او را بر همین پایه بشناسیم. آوینی در جهاد سازندگی مشغول به کار می‌شود و در واحد تلویزیونی آن به مستندسازی می‌پردازد. از نخستین کارهایش در گروه جهاد می‌توان به مجموعه شش‌روز در ترکمن صحرا، سیل خوزستان، و مجموعه مستند خان گزیده‌ها اشاره کرد. گروه جهاد، نخستین گروهی بود که بلافاصله پس از آغاز جنگ به جبهه‌ها رفت. دونفر از اعضای گروه، در همان روزهای نخست جنگ در قصر شیرین اسیر شدند و نفر سوم، در حالی که تیر به شانه‌اش خورده بود، از حلقه محاصره گریخت. پس از یک‌هفته که خرمشهر سقوط کرد و گروه که تازه توانسته بود شکل دوباره به خود بگیرد، راهی منطقه شد. آنها در جست‌وجوی حقیقت ماجرا به خرمشهر و آبادان رفتند که سخت در محاصره بود. ساخت مجموعه حقیقت این‌گونه آغاز شد.

کار گروه جهاد در جبهه‌ها ادامه یافت. عملیات والفجر هشت که آغاز شد گروه، دیگر منسجم و منظم شده بود. همین شد که مجموعه تلویزیونی روایت فتح در همان حال‌وهوا شکل گرفت و تا پایان جنگ هم ادامه پیدا کرد. آوینی می‌گوید: «انگیزش درونی هنرمندانی که در واحد تلویزیونی جهاد سازندگی جمع آمده بودند آنها را به جبهه‌های دفاع مقدس می‌کشاند، نه وظایف و تعهدات اداری. روح کارمندی نمی‌توانست در این عرصه منشأ فعل و اثر باشد. گروه‌های فیلمبرداری ما با همان انگیزه‌هایی که رزم‌آوران را به جبهه کشانده بود، کار می‌کردند... اینجا عرصه‌ای نبود که فقط پای تکنیک یا هنر در میان باشد.»

در کارنامه فیلم‌سازی شهید سیدمرتضی